

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش های ادبی - قرآنی»

سال اول / شماره دوم / تابستان ۱۳۹۲

جلوه های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین پور

رضا کیانی^۱، جهانگیر امیری^۲ و فاروق نعمتی^۳

چکیده

درهم تنیدگی متون، حاصل رویکرد زبان شناختی به ادبیات و نقد متن محور است. قیصر امین پور شاعر متعهد و نام آشنای ایران به اشکال گوناگون، تحت تأثیر قرآن کریم قرار گرفته است. این تأثیرپذیری گاه از مضمون و محتوا، و گاه در الفاظ و فنون بیانی قرآن، صورت پذیرفته است. در شعر امین پور انواع گوناگون اقتباس از جمله: تلمیح، تحلیل، اثرپذیری واژگانی، اثرپذیری گزاره‌ای و... ملاحظه می‌شود. علاوه بر گونه‌های مختلف اقتباس، آرایه‌ی ایهام تناسب با تأثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی، در شعر این شاعر حضوری چشمگیر دارد. قیصر از این آرایه‌ها بیشتر به منظور بیان رساتر دردها و رنج‌های انسان معاصر که از معنویات دور گشته، استفاده نموده است. اثرپذیری امین پور از قرآن کریم با چنان ظرافتی همراه است که پی بردن به اصل و ریشه‌ی سروده‌هایش اغلب کاری دشوار بوده، و نیازمند دقت و تأمل فراوان می‌باشد. پژوهش حاضر، تلاشی است در جهت واکاوی شیوه‌های اثرپذیری قیصر امین پور که در مباحث زبان شناسی نوین از آن به عنوان «بینامتنی» یا «تناس» یاد می‌شود.

کلیدواژگان: بینامتنی قرآن کریم، قیصر امین پور، ایهام، تلمیح، اثرپذیری واژگانی، اثرپذیری گزاره‌ای.

※ تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۱۸

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، rkiany@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، z_gangineh@yahoo.com

۳. استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام نور، faroogh.nemati@gmail.com

۱- مقدمه

«قرآن مجید کتاب دینی ماست، معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است. چنان که امروزه نمی‌توان جنبه‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را یاد کرد که قرآن کریم و معانی والای آن به نحوی مستقیم یا غیر مستقیم، در آن تأثیری نگذاشته باشد» (حلبی، ۱۳۷۴ هـ.ش: ۱۱) از سوی دیگر، شعر آیینی‌ای است که می‌توان افکار، احساسات، بینش‌ها و اعتقادات شاعر را در آن به نظاره نشست. بر این اساس، کاملاً طبیعی است که افکار مذهبی و باورهای دینی و گرایش‌های ایمانی شاعر در شعرش جلوه نماید، و به همین دلیل است که در شعر شاعران مسلمان، مسائل مذهبی به وفور یافت می‌شود. و از آن جا که سرچشمه‌ی مذهبی مسلمان، قرآن کریم است، پس عجب نخواهد بود که جلوه‌هایی از این کتاب آسمانی در اشعار شاعران مسلمان، پرتو افشانی نماید.

بنابراین، اگر به شعر و ادب فارسی، با دقت و تأمل بنگریم، روشن می‌شود که "جان مایه و جوهر آن، از دین مبین اسلام نشأت گرفته، و اندیشه‌های شعرا و ادبای این قلمرو پهناور از آموزه‌ها و تعالیم ناب اسلامی، احادیث نبوی و ائمه اطهار و در رأس همه‌ی آنها، قرآن کریم، سرچشمه گرفته است". (خواججه اف، ۱۳۸۶ هـ.ش: ۴۲) با نگاهی به سروده‌های اغلب شاعران ایرانی، می‌توان از آنها به عنوان یکی از بارزترین مصادیق تأثیرپذیری از قرآن یاد نمود. بسیاری از ابیات این شاعران را ((اشاره))، ((تلمیح))، ((اقتباس))، ((تضمین))، ((تحلیل آیات))، ((قصص)) و ((تمثیل)) - های گوناگون این کتاب مبین تشکیل داده است. بر این اساس، اگر کسی ادعا کند که می‌توان اشعار شاعرانی را که از کلام خدا متأثر گردیده‌اند، بدون فهم قرآن و تفسیر آن به درستی دریافت، باید در صحت ادعای او تردید کرد.

در این میان، قیصر امین‌پور شاعر متعهد معاصر، با نگرشی به شیوه‌ی عرفا و با بارقه‌هایی از مضامین قرآنی، زوایای درونی ذهن و چشم اندازهای بیرونی جهان را در اشعار خود به خوبی نمایانده است. امین‌پور که در بستر آموزه‌های اسلامی به شعر و ادب فارسی روی آورده، غالب

اشعارش را تحت تعالیم ارزشمند قرآن سروده است. روابط بینامتنی قرآن با اشعار امین پور، به گونه‌ی زیبا و مبتکرانه رخ داده است تا آنجا که این روابط بینامتنی با قرآن، از ویژگی‌های برجسته‌ی شعری او به شمار می‌رود.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

براساس اطلاعات موجود، تاکنون، پژوهشی مستقل و اختصاصی، درباره‌ی تأثیر پذیری اشعار قیصر امین پور از قرآن کریم صورت نگرفته است و این بحث، به عنوان یک بحث فرعی و غیر مستقل، و تنها در لابه لای دیگر موضوعات، مورد اشارت واقع شده است. ضرورت این تحقیق، نیاز پرداختن به مضامین میان رشته‌ای و بینامتنی است که امروزه در مباحث ادبی، فراوان احساس می‌شود. براین اساس، امید است که مقاله‌ی حاضر بتواند راه را برای پژوهش‌های کامل‌تری در مورد این شاعر ارزنده هموار نماید.

۳- بینامتنی (= تناسّ) و انواع آن

"نظریه پردازان امروزین، متن‌ها را، خواه ادبی و خواه غیر ادبی، فاقد هر نوع معنای مستقل می‌دانند. آنان معتقدند که این متن‌ها در شبکه‌ای از روابط فرو می‌غلتنند که کشف کردن یک متن و کشف معنا یا معانی آن، در گرو ردیابی کردن روابط بینامتنی است." (آلن، ۱۳۸۰ هـ.ش: ۱۱)

بنابر نظریه‌ای که "زولیا کریستوا" در سال ۱۹۶۹م و "رولان بارت" در سال ۱۹۷۳م درباره‌ی بینامتنی ارائه می‌دهند، ((هر متن ادبی، تنها با توجه به متونی قابل درک است که قبل از آن وجود داشته و بر آن تأثیر گذاشته‌اند)) (شاهین، ۱۳۸۲ هـ.ش: ۶)، بنابراین، به مدد بینامتنی، می‌توان ارتباط موجود میان گفته‌های گوناگون ادبی را آشکار ساخت، زیرا هیچ گفته‌ای نمی‌تواند بی-ارتباط با گفته‌های دیگر باشد.

بینامتنیت که معادل آن در زبان عربی، تناسّ است، نوعی نگرش به متن است که باعث معنا دهی جدید به یک متن می‌شود. این اصطلاح که "در اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی، توسط

ژولیا کریستوا، ناقدِ فرانسویِ بلغاری الاصل، ارائه گردید، به شدت مورد توجه ناقدان قرار گرفت." (زعبی، ۱۹۸۹م: ۵۶)

بینامتنی یا تناسف قرآنی در اشعار شاعران مختلف، می‌تواند از طریق اقتباس، تضمین، تلمیح و... در تار و پود متن شعری به گونه‌ای تنیده شود که یک متن یک دست و منسجم پدید آورد که تفکیک متن غایب (= قرآن) از متن حاضر (= شعر) بسیار سخت قابل شناسایی باشد. (همان: ۵۸)

به طور کلی، مهمترین محورهای بینامتنی شاعران در رابطه با قرآن کریم عبارتست از:

۱-۳- نفی جزئی یا اجترار: "در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غائب را در متن خود می‌آورد، و متن حاضر، ادامه‌ی همان متن غائب است، و کمتر ابتکار یا نوآوری در آن وجود دارد." (عزام، ۲۰۰۵م: ۱۱۶) از این رو، متن برگرفته از متن غایب، می‌تواند یک جمله و یا یک عبارت و یا یک کلمه باشد، و واضح است که این روابط، شکل سطحی و آسانی از روابط بینامتنی به شمار می‌رود.

۲-۳- نفی متوازی یا امتصاص: "بدین صورت که ارتباط بسیار تنگاتنگی بین متن غایب (= قرآن) و متن حاضر (= شعر) به وجود آید، و بینامتنی در غالب موارد، آگاهانه و با کمترین تغییر در معانی و الفاظ انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، در نفی متوازی، شاعر یک عبارت قرآنی را با همان ساختار، بدون هیچ گونه تغییر و دگرگونی، یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد." (زعبی، ۱۹۸۹م: ۵۶) در واقع، "در نفی متوازی یا امتصاص، شاعر نوعی سازش میان متن پنهان و حاضر ایجاد می‌نماید و از معنای متن پنهان دفاع می‌کند." (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸هـ-ش: ۳۰۶)

۳-۳- نفی کلی یا حوار: "این نوع از روابط، بالاترین درجه‌ی بینامتنی است و به خوانشی عمیق و آگاهانه نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا شاعر یا نویسنده در این نوع از روابط، متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند، به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌برد و

معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد". (وعدالله، ۲۰۰۵م: ۳۷) "شاعر یا نویسنده، مقطعی از متن غائب را در متن خود می‌آورد در حالی که معنای متن تغییر یافته است؛ زیرا هیچ نوع سازشی میان متن پنهان و حاضر وجود ندارد. به همین دلیل، عالی‌ترین نوع بینامتنی به حساب می‌آید". (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸هـ.ش: ۳۰۷)

براین اساس، می‌توان چنین گفت که: بینامتنی مبتنی بر این اندیشه است که یک متن، بسته، مستقل و خودبسنده نیست بلکه پیوندی دو سویه و تنگاتنگ با سایر متون و به خصوص قرآن دارد.

۴_ نگاهی به زندگی و شعر قیصر امین‌پور

"قیصر امین‌پور در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۸هـ.ش در بخش ((گتوند)) از توابع شهرستان ((دزفول)) به دنیا آمد. وی تحصیلات دوران ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش ((گتوند)) و ((دزفول)) به پایان رساند و سپس برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و تحصیلات دانشگاهی خود را تا مرحله‌ی دکترای، در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران ادامه داد". (ابراهیم سلیم، ۲۰۰۹م: ۳)

"قیصر فعالیت‌های هنری خود را در حوزه‌ی اندیشه و هنر اسلامی از سال ۱۳۵۸هـ.ش آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷هـ.ش سردبیر مجله‌ی سروش نوجوان شد و از همین سال به بعد در دانشگاه الزهراء و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. قیصر در سال ۱۳۸۲هـ.ش نیز به عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد. وی سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۸۶هـ.ش بر اثر بیماری قلبی در گذشت". (همان: ۴)

امین‌پور شاعری مذهبی و انقلابی است؛ اما اندیشه‌ی خویش را شعارگونه و کلیشه‌ای فریاد نمی‌کشد. او با تسلط و آگاهی بر جریان‌ها و حوادث کهن و معاصر و آشنایی عمیق به کتاب خدا، اعتقادات و اندیشه‌های مذهبی خویش را به کمک آیات این کتاب آسمانی، چنان در تار و پود شعرش می‌نشانند که هرگز تصنعی و ملال‌آور به نظر نمی‌رسد. شعر امین‌پور در عین اعتقادی بودن، بسیار شیوا و رساست و در حدّ شعار باقی نمی‌ماند؛ به عبارت دیگر، شعر او آینه‌ی اعتقادات و

اندیشه‌های مذهبی اوست؛ اما هرگز به سطح شعار یا شعرهای تعلیمی سست عنصر، فرو نمی‌غلند. امین پور به خوبی می‌داند چگونه از تخیل، صور خیال، آرایه‌ها و صنایع ادبی بهره گیرد که شعرش در وهله‌ی نخست «شعر» (درمعنای ناب آن) باشد، و در وهله‌ی بعد با الگوپذیری از کلام خدا، بار پیامهای اخلاقی، اجتماعی و مذهبی را به دوش کشد.

"امین پور در اشعارش بسیار بی‌تکلف با قضایا برخورد کرده، و کوشیده است تا آنجایی که می‌تواند، پیش فرض‌های سیاسی را بر کلام خویش تحمیل نکند". (کاظمی، ۱۳۸۱ هـ.ش: ۸) هنر شعر او در آن است که پیش از آنکه تخیل شنونده را مورد خطاب قرار دهد، آگاهی وی را نشانه می‌گیرد. به عبارت دیگر، "هنر قیصر به عنوان یک شاعر، بیشتر حول زبان و تناسب‌های زبانی می‌چرخد نه تخیل و تصویرگری. در شعرهای نو، امین پور را با نگاهی به شدت شاعرانه می‌بینیم که چشمش به روی هرچه می‌لغزد، آن را به شعری تازه و جذاب، بدل می‌کند". (همان: ۱۰-۹)

در مورد ارزش شعر قیصر، همین بس که ناقد برجسته‌ی معاصر، دکتر شفیعی کدکنی می‌گوید: «قیصر همین جایی که هستی، باش که شعر همین است که تو می‌گویی» (کدکنی، ۱۳۸۱ هـ.ش: ۷۳) از قیصر امین پور چندین دیوان شعری برجای مانده است که عبارتند از:

۱- تنفس صبح

۲- در کوچه‌ی آفتاب

۳- ظهر روز دهم

۴- آینه‌های ناگهان

۵- گل‌ها همه آفتابگردانند

۶- مثل چشمه، مثل رود

۷- به قول پرستو

۸- دستور زبان عشق

۵- تأثیر قرآن کریم بر شعر و اندیشه‌ی قیصر امین پور

"هر قدر آشنایی ما با گذشته بیشتر باشد، این نکته بر ما بیشتر روشن می شود که تقریباً هیچ موضوع و تصویری نیست که بدیع و بی سابقه باشد. چه بسا افرادی که شاعری را در ابداع مضامین و تصاویر جدید، بی همتا می دانند؛ اما برای اهل فن روشن است که آن مضامین و تصاویر هم قبلاً گفته شده است. لذا مسأله در تصویر و موضوع نیست، در زبان است؛ یعنی عمده‌ی نوآوری و ابداع، در طرز بیان و استعمال زبان است." (نک: شمیسا، ۱۳۷۸ هـ.ش: ۱۵۳)

شاعران برای انتقال مفاهیم انسانی، قومی، اخلاقی و وطنی، از منابع الهامی متعددی بهره می برند. میراث دینی و بلاخص قرآن کریم یکی از مهمترین منابع الهام شعرا به شمار می رود. این خصیصه در شعر بیشتر شاعران معاصر ایرانی و به خصوص شعر قیصر امین پور به خوبی نمایان است.

هوشیاری و دقت نظر امین پور از وی شاعری مضمون یاب و نکته پرداز ساخته است. شعر برای قیصر هم یک هنر است، و هم ابزاری است برای بیان افکار و اندیشه‌های شاعرانه‌اش. پرورش یافتن امین پور در یک خانواده‌ی اصیل مذهبی و اشتیاق و وصف ناپذیر وی به کتاب آسمانی، موجب شده خوانندگان شعرش، تأثیر کلام دلنشین الهی بر شعر و سخن وی را احساس نمایند. نگاهی کلی به سروده‌های امین پور، به خوبی نشان می دهد که او به خوبی به بن‌مایه‌های فرهنگ مردمی و دردهای آنان نفوذ کرده است، و با تأثیر پذیری از مضامین خاص قرآنی، از یک سوی به شعر خویش صبغه‌ای قرآنی ببخشد، و از دیگر سوی، با طرح آرزوها و رنج‌های مردم، به شعرش رویکردی مردم گرایانه بدهد.

در بررسی شیوه‌های اثرپذیری قیصر امین پور از قرآن، می توان به اشکال مختلف و متنوعی، بهره گیری این شاعر خوش قریحه را از این کتاب آسمانی مشاهده نمود که در ادامه به مهمترین شیوه‌های این تأثیر پذیری، اشاره می گردد:

۱-۵- اثرپذیری به شیوه‌ی ایهام

ایهام مصدر باب افعال به معنی در وهم افکندن است، و در اصطلاح بدیع کلمه یا تعبیری است که در کلام حداقل در دو معنی به کار رفته باشد. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

پس زمینه‌های قرآنی شعر قیصر امین پور، گاهی به آسانی به چشم نمی آید و این پس زمینه‌ها در بسیاری از موارد، در لابه لای ایهام‌های زیبا و دلنشین پنهان گشته‌اند که البته این خود حکایت از تبحر شاعر در استفاده‌ی هنرمندانه از آرایه‌ی ایهام دارد. به عنوان مثال، آن‌گاه که شاعر دردها و رنج‌های هموعانش را در عرصه‌ی حیات احساس می نماید، با ابراز حسرت عمیق خویش از این جریان، کلام خدا را به گونه‌ای تازه و متفاوت با دیگر شاعران، دستمایه‌ی تشبیهی دلنشین و هنرمندانه قرار داده است:

الفبای درد از لبم می تراود

نه شبنم که خون از لبم می تراود

سه حرف است مضمون سی پاره‌ی دل

الف، لام، میم از لبم می تراود

(دیوان گلها همه آفتابگرداند: ۱۰۴)

آن گونه که می‌بینیم، در اینجا حروف رمزی (الف، لام، میم) می‌تواند به دو گونه‌ی متفاوت تأویل و تفسیر گردد:

۱- حروف مقطعه‌ی (الف، لام، میم) که در آغاز سوره‌ی بقره آمده است. (۱)

۲- مجموع این حروف، کلمه‌ی (اَلْم) به معنای درد را تشکیل داده است.

افزون بر این، اصطلاح (سی پاره) می‌تواند به معنای سی جزء قرآن در نظر گرفته شود که در این صورت با حروف مقطعه‌ی قرآن؛ یعنی ﴿ الف، لام، میم ﴾ تناسب دارد. و یا این‌که (سی پاره) می‌تواند به معنای دل سی پاره شده شاعر بر اثر غم و درد تفسیر گردد، که در این صورت با تأویل دوم؛ یعنی (اَلْم) سازگار است. (۲)

شاعر باز هم در جای دیگر به شیوه‌ی ایهام، این گونه از قرآن کریم بهره می‌گیرد:

ای حُسنِ یوسف، دکمه‌ی پیراهن تو دل می‌شکفتد، گُل به گُل از دامن تو

(دیوان دستور زبان عشق: ۳۰)

در این بیت (حُسنِ یوسف) می‌تواند در دو معنا به کار رود:

۱- صورتِ زیبای حضرت یوسف (ع)

۲- گلی زیبا و خوشبو

کلمه‌ی (پیراهن) در معنای بیرونی و تلمیحی اشاره به پیراهنی دارد که در داستان حضرت یوسف (ع) موجب بینا شدن حضرت یعقوب (ع) گردید و با کلمه (یوسف) تناسب دارد. افزون بر این، واژه‌ی (گُل) با حُسنِ یوسف که نوعی گُل است، تناسب دارد. (۱)

۲-۵- اثرپذیری تلمیحی:

تلمیح در لغت به معنای به‌گوشه‌ی چشم نگریستن است، و در اصطلاح فن بدیع، آن است که شاعر در ضمن کلام، به داستان یا مَثَل یا آیه و حدیث یا حادثه‌ای که مشهور باشد، اشاره کند. تلمیح از صنایع معنوی بدیع است و از طریق ایجاد تداعی، تاثیر شعر را دوچندان می‌کند. در واقع ژرفا بخشیدن به اثر و به دست آوردن متنی موجز از طریق تلمیح میسر می‌شود. این آرایه آن گونه است که " سخنور به یاری آن می‌تواند بافت معنایی سروده را ژرفا ببخشد و دریایی از اندیشه‌ها را در کوزه‌ای تنگ از واژگان فرو ریزد.

(کزازی، ۱۳۷۳هـ.ش: ۱۱۰)

در شیوه‌ی تلمیح، شاعر سخن خویش را بر پایه‌ی نکته‌ای قرآنی بنا می‌نهد؛ اما به عمد آن را با نشانه یا اشاره‌هایی همراه می‌سازد که خواننده شعر را به آن چه خود بدان نظر داشته است، راه نماید. (راستگو، ۱۳۷۶هـ.ش: ۵۲)

در بررسی سروده‌های قیصر امین‌پور به نمونه‌های بسیاری از این نوع اثرپذیری برخورد می‌نماییم که در اینجا و در نگاهی کوتاه، تلمیحات قرآنی را در آثار وی می‌کاویم:

۱-۲-۵- داستان حضرت یوسف (ع)

گاه داستان‌های مألوف قرآنی را در شعر قیصر امین پور به شیوه‌ای متفاوت از دیگر شاعران بازخوانی می‌کنیم، و این خاصیت ذهن خلاق و نوآور شاعر است. از داستان‌های قرآنی، ظاهراً داستان حضرت یوسف (ع) بیش از سایر داستان‌ها برای امین پور الهام بخش بوده است، زیرا بسامد تلمیح به این داستان در اشعار وی نسبت به سایر داستان‌ها بیشتر است. شعر «روایت رؤیا» قیصر در واقع بازخوانی داستان زندگی حضرت یوسف (ع)، و در خدمت اندیشه‌های روزمره‌ی خود شاعر است. شاعر با نگاهی حسرت بار به سرنوشت یوسف (ع) در این داستان، به حوادث ناگوار زندگی روزمره گریز می‌زند، و به انتقاد از کسانی می‌پردازد که با تنگ نظری به زندگی دیگران، حسادت می‌ورزند:

فرزندم! / رؤیای روشنت را / دیگر برای هیچ کسی بازگو مکن! / حتی برادران عزیزت / می‌ترسم / شاید دوباره دست بیندازد / خواب تو را / در چاه

(دیوان دستور زبان عشق: ۱۲)

چنان که پیداست، آیه ۵ سوره مبارکه یوسف ﴿يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا ...﴾ (۳) الهام بخش شاعر در سروده فوق بوده است.

در قاموس واژگانی شعر امین پور، غربت واژه‌ای است بسیار تلخ که همواره خاطر شاعر را می‌آزارد، تا جایی که شاعر درد فراق انسان معاصر و فاصله گرفتنش را از معنویات، با غم و حسرت یعقوب (ع) از دوری یوسف (ع) پیوند می‌زند:

این بوی غربت است / که می‌آید / شاید / بوی غریب پیرهنی پاره / در باد / نه! / این بوی زخم گرگ نباید باشد / من بوی بی پناهی را از دور می‌شناسم

(آیین‌های ناگهان: ۱۲۸)

چنان‌که دیده می‌شود، واژه‌های گرگ، پیراهن، بو، غربت و... ماجرای حضرت یوسف (ع) و برادرانش را در ذهن تداعی می‌کند. شاعر در سروده‌ی فوق، انسان معاصر را قربانی مکر و فریب روزگار جفا پیشه دانسته، و غربت و بی پناهی چاه ظلمانی دنیا را سرنوشت محتوم انسان، قلمداد نموده است.

امین پور با اشاره به نام‌لامتاتی که در زندگی خاطر او را مکدر می‌سازد، رنجش خود را از زمانه و مردم با تمام آنچه که در گذشته، خاطر حضرت یوسف (ع) را آزرده است، پیوند می‌دهد؛ اما آن چه بر حسرت شاعر افزوده، این است که وی از حضرت یوسف (ع) تنها رنج‌ها و مشکلاتش را به ارمغان برده است، بدون آن که از کمالات و محاسن او بهره مند باشد:

از بد بتر اگر هست / این است / این که باشی / در چاه نابردار، تنها / زندانی زلیخا / چوب حراج خورده بازار برده‌ها / البته بی که یوسف باشی!

(دستور زبان عشق: ۲۴)

این برداشت شاعر از خویش و به شکل عام از انسان امروزی؛ او را آن چنان افسرده و ناامید ساخته که پیراهن خود را برخلاف پیراهن یوسف (ع) بی خاصیت و بی ارزش معرفی نموده است:

بہتر است درز بگیری / این پاره پوره پیرهن / بی بو و خاصیت را / کہ چشم هیچ چشم بہ راہی را / روشن نمی کند
(دستور زبان عشق: ۲۴)

در این سروده، مُراد شاعر از بی خاصیت بودن پیراهن، از دست رفتن ارزش و کرامت و جایگاه والای انسانیت است که خداوند به آدمی بخشیده است؛ اما در اثر فرو رفتن در مادیت آن را از دست داده است، و طبیعی است که چنین انسانی نمی تواند که چشمی را روشن نماید.

۲-۲-۵- داستان حضرت آدم (ع)

داستان حضرت آدم (ع) و ماجرای هبوط او نیز از جمله تلمیحاتی است که در اشعار قیصر امین پور به آن اشارات فراوان رفته است. بهره‌گیری قیصر از این داستان در قالب اندیشه و تفکر روزمره زندگی شخصی، به آن جلوه و تصویری تازه و متفاوت بخشیده است. شاعر با اشاره به چگونگی راه یافتن ناگهانی عشق در دل خویش از طریق دیده و نگاه، و لغزش دل، و سختی‌ها و مرارت‌هایی که در این وادی بر او رفته است، سرنوشت تلخ خویشتن را با طرد شدن حضرت آدم (ع) و سرنوشت او پیوند می زند:

سر بہ زیرو ساکت وبی دست وپا می‌رفت دل

یک نظر روی تو را دیدو حواسش پرت شد

بر زمین افتاد چون اشکی ز چشم آسمان

ناگهان این اتفاق افتاد: زوجی فرد شد!

بعدهم تبعید و زندان ابد شد در کویر

عین مجنون از پی لیلی بیابانگرد شد

کودک دل شیطنت کرده است یک دم در ازل

تا ابد از دامن پر مهر مادر طرد شد

(دستور زبان عشق: ۵۰)

شاعر در این سروده، به تأثیر از آیه ۳۵ سوره بقره: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (۴) با بیان ماجرای طرد شدن آدم و حوا از بهشت و فریفته شدن آن دو توسط شیطان و خوردن از میوه ممنوعه، و در نتیجه رانده شدن از درگاه خدا، به سرنوشت انسان امروزی به عنوان فرزندان و بازماندگان آدم و حوا اشاره می کند، و از انسان‌ها به عنوان تبعید شدگان در کویر دنیا، و نیز کودکان بازیگوشی که از دامن پُر مهر و محبت مادر، محروم گشته‌اند، نام می‌برد.

در ادامه شاعر، با تلمیح به داستان حضرت آدم (ع)، و مقایسه سرنوشت انسان معاصر با وی، دلیل هبوط انسان امروزی را برخلاف آدم (ع) نه یک لحظه غفلت، بلکه «دانایی» می‌داند؛ گویی شاعر معتقد است دانایی همواره سبب حرمان انسان می‌شود:

کاش از روز ازل هیچ نمی‌دانستم که هبوط ابدم از پی دانستن بود
(دیوان گلها همه آفتابگرداند: ۱۳۷)

۳-۲-۵- داستان حضرت ابراهیم

داستان حضرت ابراهیم و توطئه آتش زدن وی، دست مایه‌ی تشبیهی است زیبا که قیصر را بر آن می‌دارد تا در گیرودار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دشمنان کینه توزِ وطن خویش را با نمرودیان مقایسه نماید:

نمرودیان همیشه به کارند / تا هیمه ای به حیظه آتش بیاورند / امانا / ما را از آزمایش آتش هراس نیست / ما بارش همیشه باران کینه را / با چترهای ساده عریانی / احساس کرده ایم

(مجموعه کامل اشعار: ۳۷۴)

آن گونه که از سروده‌ی فوق برمی‌آید، کینه‌توزی دشمنان بعثی در اثنای جنگ تحمیلی و فرصت طلبی آنان برای ضربه زدن به مردم ایران، دستمایه‌ی تشبیهی است زیبا و دلنشین که ذهن خلاق شاعر را به مدد از آموزه‌های قرآنی سوق داده است.

۴-۲-۵- داستان حضرت اسماعیل (ع)

امین پور با سرزنش خویش و انتقاد از کسانی که پس از شهیدان، دین آنها را به خوبی ادا نکرده‌اند و عمر را به بیهودگی به سر برده‌اند، به ماجرای حضرت اسماعیل (ع) و قربانی شدن او به امر خدا گریز می‌زند، و این داستان قرآنی را در خدمت اندیشه‌های روزمره درمی‌آورد:

عمری بجز بیهوده بودن سر نکردیم تقویم ها گفتند و ما باور نکردیم
در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم
حتّی خیال نای اسماعیل خود را همسایه با تصویری از خنجر نکردیم

(مجموعه کامل اشعار: ۳۹۲)

آن گونه که پیداست، داستان متعارف و آشنای حضرت اسماعیل (ع) در قرآن کریم، الهام بخش شاعر در سرایش سروده‌ی فوق بوده است.

۵-۲-۵- داستان معجزه حضرت موسی (ع)

در قصیده ((تجسّم)) که به یاد آیت الله طالقانی سروده شده است، ارزش‌هایی چون شهادت، شهامت، طهارت و تواضع مورد ستایش قرار گرفته است، و شاعر در پایان با تلمیح به یکی از معجزات حضرت

موسی (ع) به تأثیر آیه ۲۲ سوره طه ﴿وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ﴾ (۵) چنین می‌سراید:

از چشم هر شهید/ یک قطره اشک شوق بگیرد/ فواره ای ز نور بکارید/ قلبی از آینه، دلی از دریا/ و گردنی بلند/ از آبشار پاک تواضع/ از آستین روشن موسی/ دستی به رسم وام بگیرد
(مجموعه کامل اشعار: ۳۷۸)

۳-۵- اثرپذیری واژگانی

در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها، وامدار قرآن است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه‌ی قرآنی دارند، به گونه‌ای که اگر قرآن نبود، زبان و ادب نیز از آن واژه‌ها بی‌بهره بود. مثلاً به کار بردن ترکیب‌هایی چون (کراماً کاتبین، ید بیضاء، عروۃ الوثقی و...) و بسیاری از اسم‌های خاص قرآن مانند (آدم، حوا، ابراهیم، جالوت قابیل، و...) از آن جمله‌اند.
(راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵)

اثرپذیری امین پور از واژگان و ترکیب‌های خاص قرآنی بسیار است که در اینجا به دو مورد اشاره می‌شود:
لبخند تو خلاصه خوبی هاست/ لختی بخند، خنده گل زیباست/ پیشانیت تنفس یک صبح است/ صبحی که انتهای شب یلداست

(مجموعه کامل اشعار: ۴۰۷)

آن‌گونه که مشاهده می‌شود، شاعر در اینجا (تنفس صبح) را که یک اصطلاح خاص قرآنی است، به تأثیر از آیه ۱۸ سوره تکویر آورده است (۶) علاوه بر این، تأثیرپذیری امین پور از همین اصطلاح قرآنی، تا به آن حد است که نام یکی از دفترهای شعری او با الهام از آن به عنوان (تنفس صبح) گزینش شده است.

در قصیده‌ی ((گشایش)) که شاعر آن را به گونه یک مناجات شبانه به زبان جاری می‌کند، اصطلاح (فتح آشکار = فتح مبین) از واژگان خاص قرآنی است که در آغاز سوره فتح آمده است: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ (۷):

تو را به رستخیز/ مرا خراب مکن/ که رستگاری و درستکاری دلم/ به درستکاری همین غم شبانه بسته است/ که فتح آشکار من/ به این شکست‌های بی‌بهبانه بسته است

(گل‌ها همه آفتابگرداند: ۳۷)

۴-۵- اثرپذیری گزاره‌ای (۸)

این اثرپذیری خود بر دو گونه است:

۱-۴-۵- اقتباس و تضمین

در این شیوه، شاعر گزاره؛ یعنی یک عبارت قرآنی را با همان شکل و ساختار، بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی، و یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن یا قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد. (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹)

۲-۴-۵- حلّ یا تحلیل

در تضمین و اقتباس، سخنور برای نگه داشتن وزن و قافیه ناگزیر می‌شود بدون آن که ساختار اصلی آیه را بر هم بزند، اندکی در آن دست بزند، اندکی در آن دست برد؛ اما گاهی گوینده، بیش از حد معمول در ساختار اصلی آیه دست کاری می‌کند و چه بسا ساختار اصلی آن را به نوعی برهم می‌زند و بافت آیه را تغییر می‌دهد که به آن حل یا تحلیل می‌گویند. (همان: ۳۱)

در بررسی اشعار قیصر امین پور با نمونه‌های بسیاری از اثرپذیری به شیوه‌ی ((اقتباس)) یا ((تضمین)) و ((حل)) یا ((تحلیل)) برخورد می‌کنیم. این گونه بهره برداری از قرآن در شعر او با قصد و غرض‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد از جمله: تبرک و تمین، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد... که در اینجا به مهمترین آنها پرداخته می‌شود.

برداشت قیصر از مرگ و چگونگی دست یافتن آن بر انسان به تأثیر از آیه‌ی ۷۸ سوره‌ی نساء: ﴿ اَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ ... ﴾ (۹) چنین به سرایش درآمده است: ما / در تمام عمر تو را در نمی‌یابیم / اما / تو / ناگهان / همه را در می‌یابی

(مجموعه کامل اشعار: ۱۵۰)

شاعر با تغییرات نسبتاً جزئی در ساختار و محتوای آیه ۵ سوره‌ی جمعه ﴿ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا ... ﴾ (۱۰) چنین می‌سراید:

خروار / خروار / خواندیم / بار گران اسفار / بر پشت ما قطار قطار آوار / اما تمام عمر / در انتظار یک دم عیسی وار / ماندیم

(مجموعه کامل اشعار: ۱۵۳)

ماجرای خلقت جهان نیز از زوایای مختلف، دغدغه ذهن خلاق امین پور بوده است؛ به عنوان مثال، شاعر با استناد به آیه ۳۰ سوره‌ی انبیاء: ﴿ أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴾ (۱۱) تعبیری شاعرانه از مراتب خلقت به دست می‌دهد:

خدا ابتدا آب را / سپس زندگی را بر آب آفرید / جهان نقش بر آب / و آن آب بر باد

(گلها همه آفتابگرداند: ۷۳)

علم بی حد و حصر خداوند هستی به تمام اموری که در پیرامون حیات ما وجود دارد و آگاهی والای او به هرآنچه که قرار است، اتفاق بیفتد، شاعر را بر آن می‌دارد که به تأثیر از آیه ۱۱ سوره‌ی شوری ﴿ ... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴾ (۱۲) خداوند متعال را بالاتر از وصف و تشبیه معرفی کند:

تو شعر نگفته مرا می‌دانی / و ز برگ سفید دفترم می‌خوانی

آخر به چه مانی که بگویم آنی؟ / تو همچو خودی، تو خویش را مانی

(در کوچه آفتاب: ۱۱)

شاعر با توصیف آدمی به عنوان موجودی که همواره در عرصه‌ی حیات در اندیشه‌ی کم یا زیاد شدن مال و ثروت خویش است، به تأثیر از آیه ۱۹ سوره‌ی حشر ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (۱۳) انسان معاصر را نمادی از غفلت معرفی می‌کند که از دیرباز وجود حقیقی خویش را فراموش کرده است:

ما خویش فرامشان لرزان قدیمیم اندیشه کنان وادی بیش و کمیم
خود را و ترا اگرچه بردیم زیاد ما را اگر زیاد بردی عدمیم

(در کوچه آفتاب: ۱۴)

شگفتی‌های موجود در طبیعت، و سرزمین‌های پُر از اسرار، و آسمان‌هایی سرشار از رموز، شاعر را بر آن می‌دارد که زبان به تحسین از آنها بگشاید و با تأثیر از آیه‌ی ۱۹۰ سوره‌ی آل عمران: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (۱۴) زمین و آسمان‌ها را نشانه‌هایی از قدرت خداوند متعال معرفی کند و با تأثیر از آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی لقمان ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا وَالْقَوَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ...﴾ (۱۵) آسمان‌ها را به عنوان ستون‌های بی‌ستون که خداوند ستون آنهاست توصیف نماید:

ای عشق بنیاد زمین و آسمان آیه توست بنیاد ستون بی ستون پایه توست
چون رهگذری خسته که می‌آساید آسایش آفتاب در سایه توست

(در کوچه آفتاب: ۱۵)

نگاه سرد و بی‌رغبت شاعر به تجملات تصنعی دنیا ناشی از فکر باز و دید عمیق و دوراندیشانه‌ی وی به دنیایی است که در فرا روی اوست. شاعر با یادآوری حوادثی که در قیامت در انتظار انسان است و با تأثیر از آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی قیامت ﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِدُ أَيْنَ الْمَفْرُوقِ﴾ (۱۶) خود را در عرصه‌ی محشر به پرنده‌ای تشبیه می‌کند که در شبی ظلمانی و ابری سرگردان پر و بال می‌زند و نمی‌داند به کجا بگریزد:

در واقعه‌ای چنان کجا بگریزم زان مأمَن بی‌امان کجا بگریزم
چونانکه پرنده در شب غرش ابر در پهنه‌ی آسمان کجا بگریزم

(در کوچه آفتاب: ۳۰)

شهادت و شهادت طلبی یکی از مضامین بارز در شعر قیصر امین پور است که به بخشی از عالی‌ترین مفاهیم شعر او روحی سرخ و مقدس بخشیده است. شاعر با تأثیرپذیری از آیه‌ی ۱۶۹ سوره‌ی آل عمران: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ (۱۷) شهیدان را نه مردگان، بلکه زندگانی می‌داند که روزی خوارِ خوانِ گسترده‌ی پروردگارند:

کس راز حیات او نداند گفتن بایستت زبان به کام خود بنهفتن

هر چند میانِ خونِ خود خُفت ولی سوگند، که خون او نخواهد خفتن

(مجموعه کامل اشعار: ۴۲)

شهیدان در شعر امین پور با نیروی اراده‌ای که همواره در قلب بیدارشان می‌تپد، به خونِ سرخِ خویش رنگی دیگر می‌بخشند. شاعر با تأثیر از بخشی از آیه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی اعراف ﴿وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴾ (۱۸) این گونه به توصیف شهیدانی می‌پردازد که به دنیا و آن چه در آن است، پشت نموده اند:

"لا" بود که کشته شد و "لا" بود شهید "لا" بود و "الست" را "بلی" بود شهید

با قامت واژگونه در خونش نیز تصویر و تجسمی ز "لا" بود شهید

(در کوچه آفتاب: ۴۹)

آن گونه که از سروده‌ی فوق برمی‌آید، شاعر، شهید را تجسم "لا" بر روی زمین دانسته‌است، و این خود اشارتی است به مقام والای آنان در نفی همه‌ی خدایان دروغین و هر گونه شرک خفی و جلی که بیشتر انسان‌ها بدان آلوده‌اند. نتیجه:

- شعر قیصر امین پور همانند شعر دیگر شاعران مسلمان، بی بهره از قرآن نبوده است. او در اشعارش، گاه به صورت استفاده از مضمون، و گاه به صورت استفاده از واژگان و عبارات، از قرآن بهره مند شده است.

- در ساختار شعر قیصر امین پور، آیات قرآن بدون این که چندان بوضوح جلوه‌گری کنند، نهفته شده‌اند؛ بدین معنا که به نظر می‌رسد شاعر مفاهیم قرآنی را بیشتر به صورت ناخودآگاه در اشعارش منعکس نموده و براساس قول: (اللسان ترجمان القلوب)، از ضمیر ناخودآگاهش سرچشمه گرفته و بر زبانش جاری گشته است و به جز چند مورد معدود، اشاره‌ی مستقیمی ندارد.

- عمق و گستردگی تفکر و اندیشه‌ی امین پور، از شناخت و آگاهی وی نسبت به علوم قرآن نشأت می‌گیرد. وی به گونه‌ای از کتاب عظیم الهی و واژگان و عبارات مربوط به آن سخن می‌گوید که عشق و علاقه‌ی شدید او را به مکتب انسان ساز قرآن آشکار می‌سازد که در این میان، تنها ذکر ظاهری کلمه‌ها و عبارت‌های قرآنی، مورد نظر او نیست، بلکه معانی و مضمون‌های قرآن به شکل‌های مختلف و با تنوع بسیار، در اشعار او به چشم می‌خورد.

- با توجه به این که ارزش هر متن یا گفتمان تازه‌ای تنها در بافت حاصل از متون و گفتمان‌های دیگر شناخته می‌شود، لذا با اندکی تأمل و تعمق در دیوان قیصر امین پور درمی‌یابیم که بسیاری از مضامین و الفاظ شعری و حتی جنبه‌های داستانی و شخصیتی را از قرآن کریم الهام گرفته، و آن‌ها را تحت تأثیر این گوهر ناب الهی به رشته‌ی نظم درآورده است. بنابراین ارتباط بسیار تنگاتنگی بین متن غایب (= قرآن) و متن حاضر (= شعر قیصر) وجود دارد، و بینامتنی در غالب موارد آگاهانه، و با کمترین تغییر در معانی و الفاظ انجام گرفته است.

پسی نوشت‌ها

- (۱) حروف مقطعه در آغاز سوره‌ی مبارکه‌ی بقره چنین آمده است: ﴿الم﴾
- (۲) همان گونه که می بینیم، شاعر در این سروده از آرایه ایهام تناسب، به خوبی بهره جسته و به گفتار خویش زیبایی خاصی بخشیده است و بعید نیست که در چگونگی شیوه و کاربرد این آرایه، تحت تأثیر آیه ۶۵ سوره الرحمن ﴿الشمسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ﴾ ﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ قرار گرفته باشد.
- در این آیه واژه "نجم" دارای دو معناست: (السعد التفتازنی ۱۴۱۱: ۳۱۷)
- معنای ظاهری که همان ستاره است. این معنا با عبارت پیشین آن؛ یعنی (الشمس و القمر) تناسب دارد.
- معنای پنهانی که همان گیاه است. این معنا با کلمه پسین آن؛ یعنی (و الشجر) تناسب دارد.
- (۳) یعقوب گفت: ای فرزندم! زنها خواب خود را برای برادران حکایت مکن که بر تو مکر و حسد خواهند برد و...
- (۴) و گفتیم که ای آدم تو با جُفت خود در بهشت رایگان و بی زحمت جای گزینید و بخورید از اطعمه‌ی بهشت از هر چه می خواهید، و نزدیک نشوید به این درخت که اگر نزدیک شوید از جمله‌ی ستمکاران خواهید بود.
- (۵) دست خود به گریبان فرو بر تا دستی بی هیچ عیب درخشان بیرون آید و این معجزه‌ی دیگر تو خواهد بود.
- (۶) اشاره به آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی تکویر: ﴿وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسُ﴾
- (۷) ای رسول غم مدار که ما تو را به فتح آشکار در عالم پیروز می گردانیم.
- (۸) گزاره در اینجا به معنی عبارت و جمله، خواه جمله کامل و خواه ناقص به کار رفته است.
- (۹) هر کجا باشید، اگرچه در کاخ‌های بسیار محکم، مرگ شما را فرا رسد و...
- (۱۰) کسانی که مکلف به تورات شدند، ولی حق آن را ادا نکردند، مانند الاغی هستند که کتاب‌هایی حمل می کنند ...
- (۱۱) آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین بسته بود و ما آنها را بشکافتیم و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم؟! چرا باز به خدا ایمان نمی آورند.
- (۱۲) هیچ چیزی همانند او نیست و او شنوا و بیناست.
- (۱۳) چون کسانی ماباشید که خدا را فراموش کردند و او (نیز) آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند.
- (۱۴) به تحقیق در خلقت آسمان و زمین و رفت و آمد شب و روز روشن نشانه‌هایی برای خردمندان.
- (۱۵) آسمان‌ها را بدون ستونی که شما ببینید، بیافرید، و در زمین لنگرها انداخت، تا که شما را نلرزاند و ...
- (۱۶) انسان در آن روز خواهد گفت: راه گریز کجا است؟
- (۱۷) البته نپندارید که شهیدان راه خدا مُرده‌اند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا منتعم خواهند بود.

۱۸) و ای رسول خدا به یاد آور هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و آنان را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می‌دهیم که دیگر روز قیامت نگاهی که ما از این واقع غافل بودیم.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- آلن، گراهام (۱۳۸۰ هـ.ش) *بینامتنیت*، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- ابراهیم سلیم، فکری (۲۰۰۹ م) *"فن الرباعی عند قیصر امین پور"*، القاهرة. الطبعة الأولى.
- www.faculty.ksu.edu.sa/fikri/doclib/forms
- امین پور، قیصر (۱۳۶۳) *در کوچه آفتاب*، انتشارات حوزه هنری.
- (۱۳۸۵) *گل‌ها همه آفتابگردانند*، انتشارات مروارید، چاپ ششم.
- (۱۳۸۶) *آینه‌های ناگهان*، نشر افق، چاپ دهم.
- (۱۳۸۶) *دستور زیان عشق*، انتشارات مروارید، چاپ سوم.
- (۱۳۸۹) *مجموعه کامل اشعار قیصر*، تهران، انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
- التفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱) *مختصر المعانی*، قم، دارالفکر.
- حلی، علی اصغر (۱۳۷۴)، *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، انتشارات اساطیر، چاپ سوم.
- خواجه آف، شاه منصور (۱۳۸۶ هـ.ش) *کلام خدا در شعر سهراب سپهری* (قرآن بالای سرم)، کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۲.
- راستگو، سید محمد (۱۳۷۶) *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- زعبی، أحد (۱۹۸۹) *التناص نظریاً و تطبیقاً، عمان، الأردن، مؤسسة عمریة*، ط ۲.
- شاهین، شهناز (۱۳۸۲ هـ.ش) *شگفتی‌های بینامتنی در سه قطره خون*، نشریه پژوهش‌های زبان‌های خارجی، شماره- ۱۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۱) *نقد ادبی*، نشر ققنوس، چاپ پنجم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸ هـ.ش) *نقد ادبی*، تهران: نشر فردوس، چاپ سوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶) *نگاهی تازه به بدیع*، تهران، انتشارات میترا.
- عزام، محمد (۲۰۰۵ م) *شعریة الخطاب السردی*، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، ط: ۱.
- کاظمی، محمد کاظم (۱۳۸۱) *پرنده در پنجره* (شعر و شاعری قیصر)، مجله شعر، شماره ۳۰.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳) *زیباشناسی سخن پارسی (۳): بدیع*، تهران، نشر مرکز.
میرزایی، فرامرز، و ماشاءالله واحدی (۱۳۸۸هـ.ش) *روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر*، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲۵ (پیاپی ۲۲)
وعدالله، لیدیا (۲۰۰۵م) *التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره*، دار المندلای، ط: ۱.